

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه عربی پایه دوازدهم رشته های تجربی ، ریاضی و انسانی

درس ۱: حروف مُشَبَّهَةٌ بالفعل: إِنَّ : همانا، به راستی - أَنْ: که، اینکه - لَيْتَ: کاش

لَعَلَّ: شاید، امید است - لَكِنْ: ولی - كَأَنَّ: گویی - مانند

نکته: حروف مشبهه بالفعل بر سراسم یا ضمیر متصل منصوبی می آیند.

اسم حروف مشبهه بالفعل: - يَنْ - يَنْ - اتِ - منصوب است.

خبر حروف مشبهه بالفعل: - وَنِ - مرفوع است.

مثال: ۱- إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: حروف مشبهه بالفعل - اسم إِنَّ ومنصوب - خبر إِنَّ ومرفوع

۲- كَأَنَّكَ فِي الْمَسْجِدِ: از حروف مشبهه بالفعل - اسم كَأَنَّ - خبر كَأَنَّ

۳- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ: از حروف مشبهه بالفعل - اسم إِنَّ ومنصوب - خبر إِنَّ

۴- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ مُتَّحِدِينَ: از حروف مشبهه بالفعل - اسم لَيْتَ ومنصوب به ياء - خبر لَيْتَ و

مرفوع به واو

إِنَّ: کل جمله بعد از خود را تأکید می کند. أَنْ: در وسط دو جمله را به هم پیوند می دهد.

كَأَنَّ: برای تشبیه کاربرد دارد. لَكِنْ: برای کامل کردن پیام و رفع ابهام از جمله قبل از خودش .

لَيْتَ: بیانگر آرزوی محال لَعَلَّ: برای رجاء و امیدواری به کار می رود.

نکته ترجمه: هر گاه خبر لَيْتَ و لَعَلَّ، فعل مضارع باشد در فارسی به صورت مضارع التزامی ترجمه

می شود:

لَيْتَ الْإِنْسَانَ يَدْركُ سرَّ هذا الجمالِ - از حروف مشبهه بالفعل - اسم لَيْتَ ومنصوب - خبر لَيْتَ (کاش

انسان به راز این زیبایی پی ببرد).

لای نفی جنس (لای ناسخه): عامل ومبنی بر سکون بوده وبر سراسم وخبر می آید. وبه صورت

(هیچ.....وجود ندارد،نیست) ترجمه می شود.

اسم لای نفی جنس: مبنی بر فتح — و نکره است وال نمی گیرد.

خبر لای نفی جنس: مرفوع می باشد. مثال:

۱- لا شَيْءٌ أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ: لای نفی جنس - اسم لای نفی جنس ومبنی بر فتح -
خبر لا ومرفوع.

۲- لا لباسَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ: لای نفی جنس - اسم لا ومبنی بر فتح - خبر لا ومرفوع.

۱- لا به معنی (نه) در جواب هَل و أ می آید. ۲- لای عطف در وسط دو کلمه می آید.

۳- لای نفی - غیر عامل است و بر سر فعل مضارع می آید: لا يَبْلُغُ: نمی رسد لایری- نمی بیند *

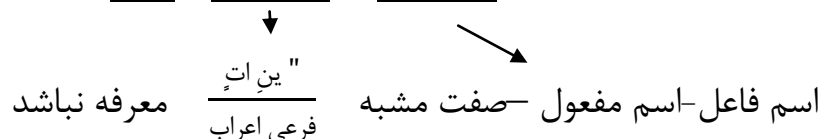
۴- لای نهی - عامل است و بر سر فعل مضارع می آید: لا تَكْسَلُ: تنبلی نکن «

درس ۲: حال: کلمه ای است که حالت و کیفیت وچگونگی یک اسم را (فاعل-مفعول -نائب

فاعل-...) در حین وقوع فعل بیان می کند وبه اسمی که حالت آن بیان می شود ذوالحال یا مرجع
حال گفته می شود. مرجع حال غالباً معرفه است و از نظر جنس و عدد، حال با ذوالحال مطابقت می
کند. حال در جواب کیف می آید و معادل قید حالت در زبان فارسی است.

حال به دو صورت می آید:

۱- حال مفرد: (اسم باشد - مشتق - منصوب - نکره باشد همزمان سه شرط را دارا باشد)



(خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا) (فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ) (تَعِيشُ الْمَوْمِنَةُ فِي الدُّنْيَا قَانِعَةً)

(نائب فاعل - صاحب حال) (حال مفرد منصوب) (مفعول - ذوالحال) (حال مفرد منصوب به ياء)

(تَعِيشُ الْمَوْمِنَاتُ فِي الدُّنْيَا قَانِعَاتٍ) (يَعِيشُ الْمَوْمِنُونَ فِي الدُّنْيَا قَانِعِينَ)

(فاعل - صاحب حال) (حال مفرد)

ذوالحال می تواند ضمیر مستتر باشد: اُعْتَصِمْ بِحَبْلِ اللَّهِ خَاضِعًا.

(ذوالحال - أنا مستتر) (حال مفرد و منصوب)

۲- جمله حالیه: در وسط جمله قرار می گیرد و بعد از اسم معرفه می آید:

الف) اسمیه: ذَهَبَتْ التَّلْمِيزَاتُ إِلَى صُفُوفِهِنَّ وَ هُنَّ مُسْرَعَاتٌ.

(فاعل - صاحب حال) (واو حالیه) (جمله حالیه) (خبر و مرفوع)

ب) فعلیه: صَاحَ الْفَارِسُ وَقَدْ يَتَسَّ مِنْ فَرَسِهِ.

(فاعل ذوالحال) (واو حالیه) (جمله حالیه) (مبتدا) (خبر) (ذوالحال هو مستتر) (جمله حالیه)

واو حالیه بر سر جمله حالیه اسمیه و بر سر قد + فعل ماضی می آید و به معنی (در حالی که) می باشد.

وَحَدَّ + ضمیر مفرد ← همیشه نقش حال می گیرد.

(أَصْبَحْتُ مَسْرُورًا) (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمِنًا)

(خبر أصبح و منصوب) (از افعال دو مفعولی) (مفعول دوم منصوب)

خبر افعال ناقصه و مفعول دوم افعال دو مفعولی نقش حال نمی گیرند.

افعال دو مفعولی: جعل - أعطى - حسب - آتى - علم - منح و ...

درس ۳: استثناء : عبارت است از خارج کردن کلمه بعد از إِلَّا از حکمِ ماقبلِ آن :

ارکان استثناء : مستثنی منه + إِلَّا + مستثنی

(مُستثنی منه : اسمِ جمع یا ضمیرِ جمع یا کلمه ای که معنی جمع می دهد . مانند: الناس)

(إِلَّا : أَدَاتِ اسْتِثْنَاءٍ) (مُستثنی : کلمه ای که بلافاصله بعد از إِلَّا می آید).

کلّ - الإنسان - جميع - أغلب - النَّاس - شیء - أَحَد و

۱ - اسلوب استثناء : آن است که مُستثنی منه در آن ذکر شده باشد - همیشه منصوب است و به

صورت «بِجَزْ - مگر» ترجمه می شود .

جاءَ التَّلامِيذُ إِلَّا مُحَمَّدًا . لا يَفْوزُ النَّاسُ إِلَّا الْمُجْدِّينَ مِنْهُمْ .

مستثنی منه مستثنی تام منصوب مستثنی منه مستثنی تام منصوب به یاء

لا أَعَانِي شَيْئًا إِلَّا الْخُمُولَ . ← از چیزی جز سستی رنج نمی برم .

مُستثنی منه مستثنی تام منصوب

۲ - اسلوب حصر و اختصاص : اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی . اسلوب حصر آن است

که مستثنی منه در آن حذف شده باشد - بر اساس نقشی که در اصل داشته : مرفوع یا منصوب

است ، در ترجمه آن از « فقط » استفاده می کنیم و جمله مثبت و مُؤكّد ترجمه می شود.

روش های تشخیص اسلوب حصر :

(۱) در این نوع اسلوب ، جمله با ادوات نفی و استفهام همراه است (البته این شرط لازم است اما

کافی نیست) (ما - لَمْ - لَنْ - لا - لیسَ - هَلْ - أ)

(۲) هرگاه جمله قبل از إَلَّا از نظر نقش های اصلی کامل نباشد (فاعل - نائب فاعل - خبر -

مفعول - خبر نواسخ - جار و مجرور - ...)

(۳) هرگاه جمله قبل از إَلَّا از نظر معنی کامل نباشد : مثال :

لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ . (فقط خداوند غیب را می داند). لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ . (فقط خداوند را عبادت کنید).

فعل مفعول حصر در اصل (فاعل) فعل و فاعل حصر(در اصل مفعول)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ . مَا كُنْتُمْ إِلَّا خَاشِعِينَ .

مبتدا مضاف الیه حصر(در اصل خبر) از افعال ناقصه اسم کان حصر (در اصل خبر کان)

_ اگر جمله مثبت و خالی از ادوات نفی و استفهام باشد ، حتما اسلوب استثناء است .

_ هر گاه اسم بعد از إَلَّا ، مرفوع باشد ، حتما حصر است :

نشانه های رفع : _____ ان _____ ون _____ مثنی جمع مذکر سالم (ما جاءَ إَلَّا سَعِيدٌ) .

نکته : إِنَّمَا و أَنَّما به معنی (فقط - تنها) هم ادوات حصر هستند.

درس ۴ : مفعول و مفعول مطلق

انواع مفعول

مفعول |، مخصوص فعل متعدی است و در جواب چه چیزی را و چه چیزی را می آید

باب افعال و تفعیل غالباً مفعول می گیرد : نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ : مفعول و منصوب

توجه : ضمایر متصل منصوبی در صورتی که به فعل متصل شوند نقش مفعول می گیرند (إنا

أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) ضمیره : مفعول

ضمایر هـ :	ها	کَ	کِ
هما	هما	کما	کما
هم	هُنَّ	کُمْ	کُنَّ
			ی
			نا

۲- مفعول مطلق : مصدری است منصوب و از جنس فعل که یا وقوع فعل را تاکید میکند و یا

کیفیت و نوع فعل را بیان می کند

الف (مفعول مطلق تاکیدی : (تاکید وقوع فعل- رفع الشک) : در آخر جمله قرار می گیرد و بعد از

آن کلمه دیگری نمی آید : در ترجمه آن از قید های : (کاملاً - قطعاً - مسلماً - حتماً - بدون

شک و...) استفاده می کنیم.

(وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) يُحَاسِبُ الْإِنْسَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُحَاسَبَةً (حِسَاباً)

فعل مفعول مطلق تاکیدی منصوب مفعول مطلق تاکیدی

ب (مفعول مطلق نوعی (بیانی) : بیان کیفیت و نوع فعل - در آخر جمله قرار می گیرد اما بعد از آن صفت یا مضاف الیه می آید. در ترجمه آن از قیود (به نیکی - بسیار - سخت - همچون - مانند و...) استفاده می کنیم.

يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ. اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

فعل مفعول مطلق (نوع بیانی) مضاف الیه و مجرور فعل مفعول مطلق نوعی صفت مفعول مطلق نوعی در حالت مضاف تنوین نمی گیرد.

بعد از مفعول مطلق نوعی ، صفت می تواند به صورت جمله وصفیه نیز بیاید.

أَمَنْتُ بِاللَّهِ إِيْمَانًا لَا يَزُولُ عَنِّي . (آنگونه به خداوند ایمان آوردم که از من جدا نمی شود)

فعل مفعول مطلق نوعی جمله وصفیه

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ إِطَاعَةً فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

ادات شرط فعل مفعول مطلق تاکیدی فعل مفعول مطلق نوعی صفت

مفعول مطلق هایی که عامل (فعل) آنها محذوف است (یعنی مصدر منصوب آمده اما فعلشان محذوف است) : بیشتر این مصدرها در اول جمله می آیند : شُكْرًا - عَفْوَ - صَبْرًا - حَمْدًا - أَهْلًا و سَهْلًا - عَجَبًا - سَمْعًا و طَاعَةً - إِجْتِهَادًا - قِرَاءَةً - سُبْحَانَ - مَعَاذَ اللَّهِ

أَيْضًا (نیز ، همچنین) - جِدًّا - حَقًّا این سه مورد در آخر جمله قرار می گیرند

تَعَجَّبْتُ كَثِيرًا . (بسیار تعجب کردم) مفعول مطلق جِدًّا و حَقًّا . (می توانند تاکیدی باشند)

درس ۵ (مخصوص رشته انسانی) مُنادَى (: منادی) ← اسمی است که بعد از حرف ندا می آید : یا حرف ندا گاهی حرف ندا حذف می شود .

انواع منادی:

۱ - مفرد : ← - عَلم (اسم خاص) : یاالله = اللهم - یایوسف - یا قُدس - یارحمان - یارحیم
- نکره مقصوده : یاطالب - یارجل - یاتلمیذات - یا مَنْ

حرف ندا(یا) مستقیماً بر سر اسم الِ دار نمی آید : ~~یا الطالب~~

برای منادا قرار دادن اسم الِ دار
۱: مذکر : أیُّها ← یا أیُّها الناس .
۲: مؤنث : أیتُّها ← یا أیتُّها النفس . ← مؤنث

مجازی

أی و أیَّة ← منادای نکره مقصوده

و کلمه بعد از آنها از نظر اعراب مرفوع می باشد. أیُّها المسلمون : مرفوع به واو فرعی

۲- مضاف: منادای مضاف منصوب است. مضاف ← الِ وتنوین و نون مثنی و جمع مذکر سالم نمیگیرد .

یاطالب العلم : (منادای مضاف - منصوب به اعراب اصلی) (مضاف الیه مجرور)

یا مُسْلِمی العالم - یا ذِا العلم - رَبَّنَا - یا مُسْلِماَتِ العالم (منادای مضاف)

یا اُمّی = یا اُمّ - یا رَبّی = یارب - إلهی = إله (منادای مضاف : چون به یاء متکلم اضافه شده و ضمیر

«ی» می تواند حذف شود)

- هرگاه حرف ندا در جمله حذف شده باشد تشخیص منادا به این صورت است که پس از آن

اسم، فعلِ مخاطب یا ضمیرِ مخاطب آمده باشد زیرا منادا جنبه مخاطب دارد .

(رَبَّنَا : آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً)

(يُوسُفُ ، أَعْرِضْ عَنْ هَذَا)

(منادای مفرد) (فعل امر مخاطب) (منادای مضاف منصوب) (فعل امر مخاطب)

انواع واو

۱ - واو حالیه : بر سر جمله اسمیه می آید

بر سر قد + فعل ماضی می آید

۲ - واو قسم : (جاره) : حرف جر است و بر سر اسم یا مصدر می آید و آنرا مجرور

می کند.

والله — والعصر — والشمس

جار و مجرور " " " "

۳ - واو عاطفه : حرف عطف است و دو اسم یا دو حرف را به هم ربط میدهد و بعد

از آن معطوف می آید که از نظر اعراب تابع ماقبل واو (معطوف علیه) است .

(وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ) .

(اللَّيْلَ : مفعول و : حرف عطف) (النَّهَارَ : معطوف و منصوب به تبعیت از اللیل است)

واو عاطفه یعنی واو حالیه و واو قسم نباشد . إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ . واو عاطف

نکته مهم ترجمه : در ترجمه اسلوب حصر باید (فقط - تنها) را به کلمه بعد از إِلَّا بدهیم :

(وَ مَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ...) : زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است.